گفتگو;حجت الاسلام پناهيان؛ \"الگوي مبلغ توانمند\"

بايد الگوي مبلغ توانمند و موفق را ارائه دهيم

گفتگو با حجت الاسلام عليرضا پناهيان با موضوع توانمندسازي مبلغان زن

 عليرضا پناهيان، مسئول اتاق فکر و مشاور رئيس نهاد مقام معظم رهبري در دانشگاه‌ها، عضو هيئت امناي دانشگاه هنر و استاد حوزه و دانشگاه است. وي دروس حوزوي را تا سطح خارج فقه به انجام رسانيده و همچنين داراي تحصيلات دانشگاهي در رشته روان‌شناسي است.

فاطمه قاسم‌پور

آيا نهاد تبليغ نسبت به موضوع خانواده احساس مسئوليت مي‌کند و به اين مسئله توجه دارد؟

جريان تبليغ هنوز در جامعه ما به نهادي منسجم تبديل نشده است. بنابراين نمي‌توانيم نسبت به وضعيت اين نهاد به صورت روشن سخن بگوييم. هر چند اخيراً‌ حوزه علميه، انسجام جريان‌هاي تبليغ ديني در کشور را در دستور کار خود قرار داده است، اما هنوز زود است که بپرسيم اين نهاد تبليغي به صورت سازمان‌يافته چقدر، نسبت به کدام موضوع حساسيت دارد. البته نهاد تبليغ به عنوان نهاد فرهنگي، به طور معمول‌ نسبت به خانواده احساس مسئوليت مناسبي دارد، زيرا طبيعت دستورات اخلاقي و احکام ديني اقتضا مي‌کند به موضوع خانواده به طور جدي پرداخته شود. اما با توجه به نياز جامعه و آنچه از مهارت‌هاي زندگي مشترک و بسته‌هاي معرفتي که براي استحکام و تعالي خانواده لازم است، نقص‌هاي فراواني وجود دارد؛ حتي کاستي‌ها بيش از دارايي‌هاست.

لازم است نهاد تبليغ با تمام توان، در خصوص موضوع خانواده بيش از آنچه عموم مبلغان به آن توجه دارند، حساس‌ باشد. در اهميت خانواده همين بس که در قرآن کريم چهار مرتبه بعد از توصيه به توحيد، تأکيد بر احسان به والدين بيان شده است. و شما مي‌دانيد طبيعتاً يک سفارش فرعي در موضوع خانواده نيست. طبيعي است وقتي بخواهيم احسان به والدين را محقق کنيم بايد روابط پدر و مادر با يکديگر نيز محترمانه و با محبت باشد.

بسياري از دستورات اخلاقي ما هم زمينه خانوادگي دارد و به اهميت موضوع خانواده مي‌پردازد. چه مقولاتي از موضوع خانواده بيشتر مورد توجه دستورات اخلاقي قرار دارد؟

نبايد احکام فقهي و اخلاقي را از هم جدا فرض کرد. تمام احکام شرعي بار اخلاقي دارند. به طور کلي احکام خانواده در عين اختصار، براي رسيدن به يک خانواده متعالي و موفق بسيار کليدي هستند. کلاً در معارف اسلامي پيرامون موضوع خانواده، در دو بخش تأکيدات فراواني وجود دارد؛ يکي رعايت حقوق زوجين نسبت به يکديگر و ديگري رعايت حقوق فرزندان نسبت به پدر و مادر. در اسلام با يکي دو تا حکم فقهي و اخلاقي تمام مناسبات خانواده تنظيم مي‌شوند و آداب اخلاقي نيز جاي خود را پيدا مي‌کنند. مثلاً همين که سفر بدون اجازه پدر حرام است يا نوعي ولايت که در رابطۀ بين زن و مرد وجود دارد ساختار حقوقي و اخلاقي خانواده را شکل مي‌دهد.

چنين تصور مي‌شود که تغييرات فراواني اتفاق افتاده است و ذائقه‌ها عوض شده‌اند. زماني ممکن بود نهاد تبليغ در خصوص خانواده تبليغ کند و محتواي تبليغات، قابليت عملياتي شدن داشته باشند، زيرا ذائقه‌ها و ساختارهاي اجتماعي با عنوان تبليغ سازگاري داشت، اما امروزه وقتي روابط همسران، مباحثي مانند اقتدار و رياست مرد در خانه مطرح مي‌شود ديگر افراد چنين مقولاتي را برنمي‌تابند، وظيفه نهاد تبليغ در اين فضا و با توجه به اينکه محتوا با ذائقه‌ها سازگاري ندارند، چيست؟

احتمالاً منظور شما ذائقه‌هاي فکري و فرهنگي است. چون ذائقۀ فطري انسان هيچ‌گاه عوض نمي‌شود؛ بنابراين اگر مبلغان ما از زبان فطرت بهره بگيرند و يا بتوانند با فطرت انسان‌ها ارتباط برقرار کنند، مخالفتي رخ نخواهد داد. اگر مبلغان ما از زبان فطرت بهره بگيرند و با زبان فطرت سخن بگويند، حقايق به راحتي انتقال مي‌يابد و حتي جاذبه هم خواهد داشت. عنصر ديگر اين است که مي‌توان از تجربه شکست خورده غرب براي تبيين برخي از توصيه‌هاي ديني استفاده کرد. جامعه غربي در اثر فاصله گرفتن از فطرت شکست خورده‌ است و ما مي‌توانيم به سهولت با اعداد و ارقام قابل لمس اين مطلب را بيان کنيم.

راه مهم براي بيدارسازي فطرت هم عقل است براهين زيادي براي اثبات حقانيت احکام اسلام مي‌توان بيان کرد. همه امور ديني از تعبدياتي نيستند که نتوان به فلسفه يا فايده آنها اشاره کرد.

آيا سخن از زبان فطرت، به رغم اينکه تمام نهادهاي فرهنگي- اجتماعي و ساختارهاي ما به سمت مسير ديگري حرکت مي‌کنند، مي‌تواند تأثيرگذار باشد؟

طبيعتاً نبايد نهادهاي تبليغي را به شيوه‌هاي سنتي محدود کنيم؛ و بايد از ابزار نوين هم براي روشنگري استفاد نماييم. مثلاً اگر بخواهيم تجربه شکست خورده خانواده فرهنگ غرب را تبيين کنيم، اين امر بيشتر در سريال‌ها و فيلم‌ها قابل نمايش است تا در يک سخنراني. امروزه براي فرهنگ‌سازي بيشتر بايد از ابزارهاي رسانه‌اي بهره گرفت. متأسفانه ميان اين ابزارها و مفاهيم دين و عالمان ديني، ارتباط خوبي برقرار نشده است تا بتوانيم از آنها در مقابل تهاجم فرهنگي مخرب و مؤثر بر خانواده‌ها استفاده کنيم. شما در برخي از موضوعات کليدي در زمينه خانواده هيچ کار درخور و شايسته‌اي در محصولات هنري و فرهنگي نمي‌بينيد. در حالي‌که برعکس آن فراوان است.

وقتي در جلسات زنانه و تبليغي در خصوص حقوق زوجين صحبت مي‌‌شود، بعد از آن جرياني از مطالبه حقوق شکل مي‌گيرد. در خصوص بيان حقوق همسران چه تدابيري بايد انديشيد که جريان منفي مطالبه حقوق شکل نگيرد؟

به عنوان مثال روشي که در نحوه برخورد حضرت آيت‌الله العظمي بهجت ديده شده خيلي درس آموز است؛ که بايد از آن در موقعيت‌هاي گوناگون به گونه‌هاي مختلف استفاده کرد. بنده در مجلسي مشاهده کردم ايشان در مقام نصيحت يک زوج جوان وقتي هر يک از دو نفر را مي‌خواستند نصيحت کنند به ديگري توصيه مي‌کردند گوش خود را بگيرد يعني نشنيده بگيرد. و به زن حقوق مرد را و به مرد حقوق زن را گوشزد مي‌کردند. وقتي مجله‌اي، حقوق زن بر مرد را به زنان گوشزد مي‌کند، آنهم با آن روش‌هاي فمينيستي، قطعاً‌ بستر جنجال در خانواده‌ها فراهم خواهد شد. اما اگر در مجلات خانوادگي، حقوق طرف مقابل نيز گوشزد شود، همسران، حقوق يکديگر را رعايت خواهند کرد و فضاي جامعه فضاي بهتري خواهد شد.

تحليل شما از عملکرد زنان مبلغ چيست و نقش آنان را چگونه ارزيابي مي‌کنيد؟

اساساً‌ سنخيت کار تبليغي با ويژگي‌هايي که در بانوان هست بسيار زياد است. به شرطي که ابتدا به کسب مهارت و از آن مهم‌تر معارف مورد نياز يک مبلغ اقدام نمايند و سپس با تمرين و ممارست طي روندي به انجام تجربه تبليغي بپردازند و به رفع ضعف‌ها و کاستي‌هاي خود اقدام نمايند تا مبلغ مجرب و موفق، بتواند نقش خود را ايفا نمايد. تبليغ هم انواعي دارد؛ وقتي تبليغ را به معناي اعم بگيريم، آموزش و پرورش، نويسندگي و کارگرداني را شامل مي‌شود. يکي از انواع آن هم سخنراني و يا تبليغ چهره به چهره است. اگر زنان مبلغ در اين زمينه فعال شوند،‌ در آينده‌اي نه چندان دور الگوهاي خوبي خواهيم داشت. هنوز در جامعه ما اين مسئله آن‌‌طور که بايد و شايد باب نشده است تا زنان، توانايي‌هاي تبليغي خود را درک کرده و مهارت‌هايشان را افزايش دهند و از اين مهارت‌ها بهره گيرند. اگر اين اتفاق بيفتد، قطعاً وضعيت فرهنگي و فکر جامعه به فطرت بسيار نزديک خواهد شد و دين در سطح جامعه رشد خواهد کرد. اما اين مسئله تا اين حد هم، به تدبير و رسيدگي، هدايت و ارتقاء نياز دارد.

برداشتي وجود دارد مبني بر اينکه تبليغ ديني به سوي زنانه شدن حرکت مي‌کند و مخاطبان اين جريان و حتي فاعلان آن، زنان هستند. نظر شما، به جهت پديده‌شناسي و آسيب‌شناسي چيست؟

مخاطبان تبليغات ديني، بيشتر بانوان هستند، که امري بسيار طبيعي است؛ زيرا فراغت بانوان در جامعه شهري ما بيش از مردان است. پيش از اين زنان موارد مورد نياز خانه را توليد مي‌کردند و در عين حال وظيفه بچه‌داري و خانه‌داري را نيز بر عهده داشتند، اما اکنون جامعه ما به گونه‌اي نيست که زنان وقت زيادي براي خانه صرف کنند. از طرف ديگر، گرايشات فطري و معنوي در نهاد زنان وجود دارد و اين امر مايه حفظ معنويت و سلامت جامعه است. وقتي زناني که هم به معنويت نياز دارند و هم کشش بيشتري نسبت به آن احساس مي‌کنند، به موضوعات معنوي بيشتر بپردازند، به نفع جامعه خواهد بود.

 همچنين زنان به لحاظ معنوي و تأثيرگذاري در اطرافيان، از مردان قوي‌تر هستند. بنابراين تأثير آنان بر فرزندان و همسرانشان بسيار بيشتر است. بيشتر بودن مخاطب زن، مثبت است و اگر فعاليت تبليغي در بين بانوان رواج ‌يابد، مژده خوبي است. اما بايد بتوانيم اين نهاد را آسيب‌شناسي و آسيب‌زدايي کنيم.

جلسات مذهبي زنانه يکي از محافل مهم معنوي و تبليغي بايد به حساب بيايد که به دليل نياز بانوان به اين‌گونه جلسات، برگزار مي‌شود. بنابراين برگزاري اين جلسات في‌حدنفسه خوب است؛ و حتي نياز ما به مبلغان موفق زن بيش از نيازمان به مبلغان مرد است تا بتوانند با ادبياتي شيوا و رسا جلسات را اداره کنند و به تبيين معارف ديني بپردازند.

يکي از آسيب‌هايي که در اين زمينه وجود دارد، پايين بودن سطح معارف کساني است که در اين سطوح فعاليت تبليغي مي‌کنند. ممکن است يک مبلغ بسيار قوي باشد، اما همين که يک سخن نابه‌جا بزند، تأثيري منفي در جامعه خواهد گذاشت. و گاهي نيز ديده مي‌شود برخي مبلغان به دليل نداشتن مهارت کافي و ناتوانايي در ارتباط با مخاطب، تأثير معکوسي بر مخاطب مي‌گذارند. نبايد به رضايت نسبي مخاطبان از يک مبلغ بسنده کرد همچنان که عدم رضايت مخاطبان را هم نبايد دست کم گرفت. تبليغات ديني در ميان بانوان هم از نظر محتوايي و هم از جهت مهارتي به يک خانه تکاني گسترده و پي‌ريزي اساسي نياز دارد.

اصلاح محتواي برنامه‌هاي تبليغي، را چگونه مي‌توان برنامه‌ريزي‌ کرد؟ با توجه به ضعف اطلاعات و ضعف روشي، آسيب‌هاي زيادي وجود دارد. براي مثال ممکن است نوع ارتباطات خاصي که وجود دارد و يا جهت خاصي که برخي از اين جلسات پيدا مي‌کنند، کارکرد اصلي آنها را تحت‌تأثير قرار دهد. چه اقداماتي مي‌توان در خصوص اين مسئله انجام داد؟

مهم‌ترين اقدام بعد از پي‌ريزي يک برنامه اساسي، در اين شرايط، الگوسازي است. رشد مبلغان در جامعه بايد هدايت بشود. بعضي افراد استعدادهايي دارند و برخي هم ممکن است زمينه‌هاي اجتماعي مناسبي داشته باشند و بتوانند مخاطباني جذب کنند. نمي‌توان با جامعه مانند يک پادگان نظامي تحت کنترل برخورد کرد و با چند امر و نهي و بخشنامه به حل مشکلات اميد داشت. به‌خصوص ‌در موضوعاتي که به هنر، ذوق و زمينه‌هاي استعدادهاي شخصي بسيار وابسته است. ما بايد با نشان دادن الگوهاي مناسب و تقويت عناصر قوي و متناسب، کار را براي انتخاب بهتر مردم آسان کنيم. اگر مردم نمونه‌هاي خوب و اقناع‌کننده بيابند، به دنبال نمونه‌هاي ضعيف نخواهند رفت.

در کنار اقدام براي الگوسازي، روشنگري نيز لازم است. بايد‌ براي افراد جامعه، به‌خصوص‌ کساني که به درک معارف ديني گرايش دارند، روشنگري‌هايي وجود داشته باشد و آدرس‌ها و ملاک‌هايي به ايشان داده شود تا بدانند از چه کساني و با چه محتوايي بهره‌برداري کنند و چگونه مخاطب يک فعاليت تبليغي قرار گيرند؛ که متأسفانه در جامعه کمتر به آن پرداخته مي‌شود. حتي بايد پيش از ماه‌هاي محرم و رمضان براي مردم توضيح داده شود که پاي چه منبرهايي بروند و از آن چه انتظاراتي داشته باشند. اگر سطح هشياري مردم بالا برود، انتخاب‌هاي بهتري خواهند داشت و آسيب‌ها کمتر خواهند شد و اگر کاستي هم در جايي ببينند، خودشان تذکر مي‌دهند.

 در سطح شهر تهران ديده مي‌شود جلسات زنانه‌ لزوماً تعليمي و سنتي نيستند. يعني در برخي از اين جلسات نه احکام وجود دارد نه تفسير و نه اصول عقايد و مباحثي مانند مثنوي‌خواني و يوگا مطرح مي‌شود. شايد ديدن چنين جلساتي، اين ذهنيت را ايجاد کند که کارکرد جلسات زنانه فقط دريافت بسته‌هاي ديني و معنوي نيست کارکردهاي ديگري نيز مي‌تواند داشته باشد. نظر شما در اين خصوص چيست؟ آيا اين جلسات مي‌تواند کارکرد ديگري هم داشته باشد و اگر دارد به چه شکلي است؟

اگر ما معنويت را به معناي اعم در نظر بگيريم، کارکردهاي چنين جلساتي، ارضاء‌ نياز معرفتي و روحي هر دو خواهد بود. اگر بتوانيم در اين جلسات با بهره‌گيري از معنويت ناب اسلامي و ولايي، روح تشنه مخاطبان را سيراب کنيم و سلايق آنان را در روند جذب و رشد در نظر بگيريم، طبيعتاً‌ بسياري از آسيب‌ها در اين زمينه کاسته خواهد شد. نبايد فقط به بيان احکام اکتفا نمود و يا تنها به مباحث اخلاقي توجه داشت و شرکت کنندگان چنين جلساتي را از شنيدن تحليل تاريخ و سيره سياسي معصومين محروم نگاه داشت. و حتي بايد توجه داشت مبادا به تبليغ اخلاق بدون خدا و اومانيستي بپردازيم و انواع آسيب‌هاي ديگر.

ابتدا بايد توان مبلغان را افزايش داد و بعد به افزايش آگاهي مخاطبان اقدام نمود تا دچار آسيب‌هاي اين جلسات نشوند.

آيا شما هيچ کارکرد ديگري غير از دريافت بسته‌هاي معنوي براي اين جلسات قائل نيستيد؟

عرض کردم اگر کارکرد معنوي اين جلسات را به معناي اعم در نظر بگيريم، زيرمجموعه‌هاي متفاوتي مي‌يابد. براي مثال‌ گاهي اين جلسات کارکرد آموزشي پيدا مي‌کنند، گاهي کارکرد تذکري و موعظه‌‌اي مي‌يابند؛ و تفرجگاه روح هستند. پيامبر اکرم (ص) فرمودند: ارتعوا في رياض الجنه يعني در باغ‌هاي بهشت مشغول بهره‌برداري شويد. پرسيدند در اين دنيا باغ‌هاي بهشت کجاست فرمودند مجالس الذکر

 ممکن است فردي معرفتي از دين داشته باشد، اما تنها براي لذت معنوي در جلسه‌اي حاضر شود. نبايد بگوييم حتماً‌ بايد دوره آموزش را نيز بگذراني. او مي‌گويد من مي‌خواهم لذت معنوي ببرم. وَلَکِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْکُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِکُمْ وَکَرَّهَ إِلَيْکُمُ الْکُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُوْلَئِکَ هُمُ الرَّاشِدُونَ.

ما يعلمهم الکتاب و الحکمه داريم و حبّب اليکم الايمان را نيز داريم. اي بسا بتوان به بهانه سلسله جلساتي که نقد شعر يا شرح اشعار عرفانيست، حرف‌هاي خوبي زد؛ اين هم يک قالب است. حتي مي‌توان با هدف لذت بردن از مفاهيم معنوي، به خوبي از اين مفاهيم بهره‌گرفت. اين جلسات هم کم‌کم آثار انسان‌سازانه خود را خواهند داشت. مهم اين است که شعر جاي قرآن را نگيرد همچنان‌ که اين هم مهم است که با وجود قرآن نبايد روايات فراموش شوند. در مجالس معنوي جهت‌گيري و جامعيت خيلي مهم است.

عده‌اي قائلند که زنانه شدن اين جلسات، به دليل نيازي است که زنان به برقراري ارتباط دارند؛ به نظر شما آيا اصالت با اين مسئله است با بحث معنويت اصيل است؟ اگر اصالت مشخص ‌شود وظيفه دشوارتر نهاد تبليغ آشکار خواهد شد.

امام حسن مجتبي (ع) مي‌فرمايند يکي از برکات حضور در مسجد، پيدا کردن رفيق خوب است. اين هم جزء‌ معنويت ماست. اگر زنان بتوانند با زنان مذهبي ديگر ارتباط برقرار کنند، يکي از برکات معنوي اين جلسات به‌شمار مي‌آيد. ما ديگر نمي‌توانيم به سهولت وزن‌کشي کنيم که کدام يک از فوائد اين جلسات براي چه کسي از اصالت بيشتري برخوردار است.

اما گاهي مشاهده مي‌کنيم شبکه‌هايي که از اين طريق پديد مي‌آيد، چه آسيب‌هايي براي نهاد خانواده به دنبال دارند. گاهي همين شبکه‌هاي اجتماعي زن را به يک معنا از خانه و خانواده جدا مي‌کنند و او در خانه احساس غربت مي‌کند.

مسلماً بايد جلوي اين آسيب‌ها را گرفت رفيق‌يابي صحيح در اين‌گونه مجالس بايد موجب تحکيم بنيان خانواده بشود. البته بنده آماري از جريان تبليغي در کشور ندارم و نهاد يا سازماني هم براي رصد اين جلسات وجود ندارد. اما مي‌بينيم بيشتر خون‌گرمي‌ها و مهرباني‌ها را خانواده‌هايي دارند که به هيئات و مساجد مي‌روند.

آيا منظورتان همه خانواده است يا زناني که در اين جلسات شرکت مي‌کنند؟ در تبليغات سنتي،‌ همه اعضاء خانواده با هم در اين جلسات شرکت مي‌کردند، اما اکنون مردان شرکت نمي‌‌کنند و بيشتر جلسات، حالت زنانه پيدا کرده است. يعني زنان هم در نقش مخاطب فعاليت بيشتري دارند و هم در نقش فاعل.

من في‌ نفسه اين را آسيب نمي‌بينم. بايد اين جلسات را مايه تحکيم خانواده قرار داد. بسياري اوقات تا زنان از خانواده جدا نشوند و به محيط مستقل ديگري نروند و حرفي متناسب براي تحکيم خانواده نشنوند، نمي‌توانند در همان فضاي خانواده رفتار خود را اصلاح کنند. وقتي بچه‌ها مدرسه هستند و همسر هم سرکار، اوقات فراغت زن بايد به گونه‌اي پر شود. طبيعتاً ارتباطات اين‌چنيني شکل مي‌گيرند. مربياني که در اين جلسات هستند، بايد جلسات را مديريت کنند و زنان را به خانواده دلگرم کنند. نمي‌توان به نفس اين جلسات ايرادي گرفت، ممکن است گاهي جلساتي هم باشند که بر خلاف جريان اصلي تبليغ حرکت کنند، اما نفس اين جلسات، بر مبناي آموزش‌هاي ديني است.

آيا مي‌توان اين جلسات را در سطح کلان مديريت کرد؟

مسلماًً مي‌توان آن را جهت داد، اما هيچ نهاد رسمي در اين زمينه فعاليت سازماندهي شده‌اي ندارد. نهادي که تشکيل مي‌شود بايد نيازشناسي و استعدادشناسي کرده باشد و فعاليت‌ها را ارزيابي کند. اين نهاد به تدريج مرجعيت خواهد يافت. يکي از فراوان‌ترين سؤال‌ها اين است که ما از چه کسي استفاده کنيم. مردم خودشان محافل ضعيف را نمي‌پسندند. اما ميزان نياز بالاست و لازم است نهادهاي تدبيرکننده و تأثيرگذار تشکيل شوند. البته به طور طبيعي هميشه آسيب‌ها وجود دارند.

جنابعالي به عنوان يک مبلغ موفق، چقدر دغدغه خانواده و زنان را داشته و داريد و چقدر در منبرهايتان اين مباحث را مطرح کنيد و در اين زمينه بيشتر به چه مباحثي مي‌پردازيد؟

اساساً‌ به تربيت فردي بيرون از خانواده براي جوانان چندان اعتقادي ندارم. مي‌کوشم در هر موضوعي، به نحوي از خانواده سخن بگويم و نقش مادر و پدر را در رابطه با آن موضوع، و همچنين بهبودي وضع معنوي جامعه، تبيين کنم. حتي به تربيت زن مستقل از همسرش و يا بالعکس هم زياد اعتقاد ندارم. معمولاً افراد در ميان خانواده خود مخاطب بنده هستند.

دو موضوع کليدي وجود دارد و اگر به اين دو موضوع خوب بپردازيم، افراد جامعه را به سمت خدا و خوبي سوق داده‌ايم. در اين حالت هم فرد خوب تربيت مي‌شود و هم جامعه. هيچ موضوع ديگري نيز همطراز اين دو موضوع اهميت ندارد؛ يکي ولايت و ديگري خانواده. هميشه سعي مي‌کنم به اين مطلب اشاره کنم و راه‌کارهاي عملي را براي ارتقاء در اين دو زمينه را به اندازه وسع خودم به مخاطب نشان دهم. مخاطب اصلي رسانه‌ها هم بايد خانواده باشد و طبيعتاً‌ افراد نيز در ميان خانواده از برنامه‌ها استفاده مي‌کنند.

نسبت به چه بخشي از خانواده، احساس نگراني مي‌کنيد؟

رابطه زوجين در درجه اول اهميت قرار دارد و رابطه زن و شوهر به شدت مورد تهاجم و آسيب است. رابطه زن و مرد نامحرم در جامعه به اندازه اين زن و مرد محرم اهميت ندارد. تربيت فرزند هم مهم‌ترين نتيجه نحوه رابطه زن و شوهر به‌شمار مي‌آيد.

بواسطه فرهنگ منحط غرب و جريان صهيونيستي فمينيسم، يک نوع فمينيسم مزمن در جامعه ما که گاهي اسلاميزه مي‌شود، رواج پيدا کرده است و برخي ابعاد آن آنچنان در فرهنگ جامعه رسوخ کرده که به کسي هم اجازه اظهار نظر مخالف نمي‌دهد.

پيامبر گرامي اسلام (ص) صريحاً‌ مي‌فرمايد: «حقوق شوهر بر زن بيش از حقوقي است که زن بر شوهر دارد». کما اينکه سفارش‌هاي مربوط به مهرباني کردن به زنان بيشتر به مردان شده است. بنابراين‌ زن بايد مراقب باشد که مبادا از حقوق مرد خود کم بگذارد. و مرد هم بايد نسبت به زن مهربان و دل‌رحم باشد. زن و مرد در نوع خوبي کردن به يکديگر مساوي نيستند و اين به دليل تفاوت‌هاي روحي زن و مرد است.

 اگر اين تفاوت‌ها و حقوق متناسب با آن در خانواده به خوبي رعايت شود،‌ و جامعه هم بطور کلي نگاه اين چنيني داشته باشد و زن و مرد هر يک در جاي خود قرار بگيرند، هم تربيت فرزندان به خوبي صورت خواهد گرفت و هم زن در جامعه محترم خواهد بود و فساد هم کاهش خواهد يافت.

مهم‌ترين وظيفه مرد نسبت به زن مهرباني و محبت است و مهم‌ترين وظيفه زن نسبت به مرد متواضع بودن است. ما نبايد وظايف را يکسان تلقي کنيم، زيرا شرايط، اقتضائات و نيازها يکسان نيستند. هر کس وظيفه‌اي دارد. هر کدام از ما در برخي وظائف مسئول‌تريم. فرزندان و پدر و مادر هر کدام وظيفه‌اي در خانواده دارند.

بسياري از مشکلات موجود ناشي از تأثير فرهنگ رسانه‌اي و سينمايي بر خانواده‌ها است. نوعا سريال‌هايي که در مغرب زمين توليد مي‌شوند حتي موارد به ظاهر خوبي که صدا و سيما پخش مي‌کند، بدون ترديد مخرب هستند؛ صدمات زياد و ارائه الگوي‌هاي بد از نتايج اين برنامه‌ها به شمار مي‌آيد. در توليدات داخلي هم ايرادهاي فراواني هست. ممکن است تخلف آشکاري نباشد، اما آسيب‌هاي ظريفي وجود دارد که از چشم ارزيابان مخفي مي‌ماند. اميدواريم روزي برسد که بتوانيم براي تربيت آحاد جامعه و تحکيم خانواده به رسانه‌‌هاي جمعي تکيه کنيم که براي رسيدن به اين هدف يا بايد در علوم انساني دانشگاه‌ها تحولي پديد بيايد و يا بايد حوزه به توليد علم و تبيين دقيق بپردازد و يا رسانه بايد با دست‌يابي به بعضي نخبگان راه ميانبري را انتخاب نمايد.